

## مقدمه

دوران کودکی سالهای مناسبی برای تشخیص مشکلات کودکان مداخله به هنگام و پیش‌گیری از بروز مشکلات عاطفی اجتماعی تحصیلی آنان در آینده است. در واقع مداخله به هنگام و اصلاح رفتارهای ناسازگار کودک در این دوره حساس موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی و محبوبیت نزد همسالان و بزرگسالان می‌شود و کودک را برای پذیرش مسئولیتهای آتی آماده می‌سازد. پرخاشگری یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان و یکی از دلایل ارجاع دادن آنها به روان‌درمان‌گران است. شناخت این مشکل نزد کودکان خردسال و مداخله به هنگام می‌تواند از ادامه این رفتار پیش‌گیری کند.

پس از یک دهه پژوهش در زمینه مشکلات و اختلال‌های کودکان و نوجوانان امروزه تمایز اختلال‌های درونی سازی شده و برونی سازی شده مورد پذیرش اغلب قریب به اتفاق روانشناسان و روانپزشکان قرار گرفته است. مشکلات درونی سازی شده از نظر ماهیت درون فردی هستند و به شکل کناره‌گیری از تعاملات اجتماعی بازدارنگی اضطراب و افسردگی متجلی می‌شوند. در مقابل مشکلات برونی سازی شده برونی فردی هستند به بیان دیگری الگوهای رفتاری سازش نیافته‌ای هستند که در تعارض با دیگر افراد و انتظاراتشان قرار می‌گیرند ۱- این گروه از مشکلات که

در گستره پژوهشی با عناوینی مانند مشکلات رفتاری مشکلات انحرافی و رفتارهای اغتشاش آمیز بزهکاری گذار به عمل رفتارهای غیر قابل مهار و همانند آن مشخص می شوند. طیف وسیعی از مشکلات را در بر می گیرند و می توانند آثار مخربی بر کودک خانواده اطرافیان کودک (معلمان - همسالان و غیره) و در مجموع بر کل جامعه داشته باشند. ۲- نشانه های این دسته از اختلالات برخلاف رفتارهای درون سازی شده در رفتار برونی کودکان ظاهر می شوند و نمایانگر عمل منفی کودک در محیط بیرونی هستند. ۳- از این رو بیش از آن که بر خود فرد اثر گذارند موجب ایجاد مشکل برای دیگران خواهند شد.

نظریه پردازان یادگیری اجتماعی بر این باورند که عوامل محیطی مسبب یادگیری و تداوم رفتارهای پرخاشگرانه می باشند بنابراین با تغییرات محیطی و از بین بردن زمینه های ایجاد آن می توان این رفتار را تا اندازه ای با استفاده از فنونی نظیر استدلال تنبیه فرد پرخاشگر تنبیه الگوهای پرخاشگر تقویت رفتارهای مغایر و رفتارهای پرخاشگرانه و ... کنترل و بازداری نمود (۱۲) پیروان دیدگاه شناختی با توجه با اینکه اسناد افکار ناسالم و سوءگرایی توجه و... را عامل اصلی رفتارهای پرخاشگرانه می دانند استفاده از تکنیک های شناختی - رفتاری با کودکان پرخاشگر را

مفید می‌دانند مداخلات شناختی – رفتاری با کودکان پرخاشگر را می‌توان به چند رویکرد درمانی گروه‌بندی نمود این رویکردها عبارتند از آموزش خودآزمایی آموزش کنترل خشم آموزش مهارت‌های اجتماعی آموزش کنترل وابستگی آموزش مهارت‌های اجتماعی پسند و آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی (۱۰) شور و اسپواگ در سال ۱۹۷۶ حل مسائل اجتماعی یا حل مسائل شناختی بین شخصیتی (ICPS) را به عنوان یک رویکرد درمانی انعطاف‌پذیر در درمان مسائل سازگاری اجتماعی کودکان مطرح نموده‌اند)